

## جلوه‌های صبر در گلستان و بوستان سعدی

حسینعلی موسی زاده<sup>۱</sup>، دکتر سید محمود سیدصادقی<sup>۲</sup>

دکتر سید جعفر حمیدی<sup>۳</sup>



تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۱

### چکیده

صبر یکی از ابزارهای مهم رسیدن به جاده‌ی موفقیت است، زیرا با صبر و حوصله می‌توان چاره‌اندیشی کرد و بهترین و کوتاه‌ترین راه‌هایی از مشکلات یا کسب پیروزی‌ها را پیدا نمود. شتاب و عجله نه تنها موقعیت‌ها را از انسان می‌گیرد، بلکه از جهت روحی نیز آثار مخرب و سوئی دارد. که بعضاً در جسم و اخلاق و رفتار شخص نیز ظاهر می‌شود و حتی ممکن است جبران ناپذیر باشد. نصایح سعدی، شاعر اخلاق‌گرایی که شهره‌ی آفاق است و حکمت‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، آویزه‌ی گوش هر مسلمان و حتی غیرمسلمان بوده و هست. از طرفی اندرزهای این دو شخصیت برجسته، برای بشر امروز و نسل‌های آینده می‌تواند راه‌گشا باشد. بنابراین در این مقاله صبر از دیدگاه روان‌شناسی مورد بررسی واقع شده است و پایه و اساس این پژوهش، اشعار گلستان شیخ اجل، سعدی شیرازی و مقایسه و مطابقت آن‌ها با حکمت‌های نهج البلاغه است. آن چه که سعدی می‌خواست آن بود که مردم با عملیاتی کردن نکات مطروحه در آثار خویش در همه‌ی زمینه‌های حیات کام‌روا شوند تا سعادت‌مند حقیقی باشند و این پژوهش بر همین اساس بنای کار را بر چنین تفسیر و تعبیری از آثار شیخ قرار داده است.

**کلید واژه‌ها:** صبر، روان‌شناسی، گلستان، بوستان، نهج البلاغه.

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران.

۳- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران.

## مقدمه

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا و نماز توسل جوید که خدا یاور صابران است.» (بقره آیه ۱۵۳ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه ای) صبریکی از مقوله‌های مهم روان‌شناسی است. که امروزه بر آن تأکید فراوان می‌شود. چون بسیاری از آسیب‌های روحی و جسمی بر اثر ناخویشتن‌داری پدید می‌آید. از سوی دیگر دانشمندان و شاعران ایرانی که همیشه در دانش‌های گوناگون پیشرو دیگر جهانیان بوده‌اند از دیر باز که علم روان‌شناسی مانند این روزگار چندان شناخته نبود به این موضوعات توجه داشته‌اند و آن‌ها را در اشعار، حکایات و گفته‌های متشور علمی و ادبی خویش بیان کرده‌اند.

یکی از این بزرگان علمی و ادبی، سعدی است، که تسلط وی بر علوم مختلف، تجربه‌ها، جهان‌گردی‌ها و آگاهی‌های او از احوال و روحیات ملل مختلف برکسی پوشیده نیست. به همین دلیل در این پژوهش موضوع صبر در اشعار گلستان-که خود نتیجه‌ی حکایت‌های این کتاب است-مورد بررسی قرار گرفته و برای اثبات دینی این مطالب، آن‌ها را با حکمت‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه مطابقت داده‌ایم. پژوهنده امید آن دارد که بتواند، با کنکاش‌های روان‌شناسی در آثار بزرگان ادبی ایران که نیاز امروز هر جامعه‌ای است و تطبیق آن‌ها با آموزه‌های دینی در سخنان حکیمانه‌ی امام اول شیعیان، پیوستگی و وابستگی دین، اخلاق و روان‌شناسی را بیشتر نشان دهد و ادیبان، شاعران و نویسندگان کهن ایران را آگاه بر این موضوعات معرفی نماید.

## صبر در لغت

«(ص). [ع. ] (۱). گیاهی است با برگ‌های دراز و ضخیم و تیغ دار با گل‌های زرد

رنگ. در جاهای گرم می‌روید و طعم تلخ دارد» (محمد معین، ۱۳۸۴)

- «صبر ۱- (مص ل.) شکیبیدن، بردباری کردن. ۲- (امص.) شکیبایی، بردباری،  
 ۳- (تص.) ترک شکایت از بلایا و شداید. ۴- (تص.) انتظار فرج خدا. ۵- (عم.)  
 عطسه.» (محمد معین، ۱۳۸۴)

«صبر شکیبایی. شکیبایی کردن. پائیدن. نقیض جزع. و در کشف اصطلاحات  
 الفنون آمد: صبر به فتح و سکون بابه معنی شکیبائی است. سالکان گفته اند: تصبر  
 واداشتن نفس است بر مکاره و تجرع مرارت؛ یعنی اگر آدمی صبر را مالک نبود  
 بایست که بکوشد و نفس خود را به صبر وادارد و صبر ترک شکایت است از جز به  
 سوی خدا. سهل گوید: صبر انتظار فرج خداست و آن فاضل‌ترین خدمت و برترین  
 آن است، و جز سهل گوید: صبر آن است که در صبر صابر باشی و معنی آن این که؛  
 در بلاها و شدائد خروج از آن نبینی. و گفته‌اند صبر آن است که بنده را اگر بلا برسد  
 ننالد، و رضا آن که بنده را اگر بلا برسد ناخوش نگردد دهنده و ستاننده خداست  
 تو را در این میان چه کار است. و بعضی گویند اهل صبر بر سه مقامند: اول ترک  
 شکایت و این درجه‌ی تأیبات است دوم رضا به مقدور و این درجه زاهدان است سوم  
 محبت آن است، که مولی با وی کند و این درجه‌ی صدیقان است و گفته‌اند: صبر  
 ترک شکایت از الم بلوی است جز به سوی خدا چه خدا ایوب را بر صببری که کرد  
 ثنا فرستاد و ایوب در دفع مضرّت از خود شکایت به خدا برده بود. ... صبر دو قسم  
 است: یکی بدنی و آن تحمل بدن است مشقات را و دیگر نفسانی و آن بازداشتن  
 نفس است از مشتتهیات طبع؛ و این قسم اگر صبر از شهوت باشد آن را عفت نامند و  
 اگر بر احتمال مکروه باشد اسامی مختلف دارد چنان که صبر در مصیبت را صبر نامند  
 و اگر صبر در حال غنی باشد آن را ضبط نفس نامند و اگر در نبرد باشد شجاعت  
 خوانند و اگر در کظم غیظ بود حلم نامند و اگر در نوائب باشد سعی صدر گویند

و اگر در اخفای کلام بود کتمان سرّ نامند و اگر در فضول عیش باشد زهد گویند و اگر بر مقدار کمی از مال بود قناعت خوانند. (از کشف اصطلاحات الفنون).»  
(علی اکبر دهخدا ۱۳۷۷ ج ۱۰)

### جلوه‌های صبر در گلستان و بوستان و حکمت‌های نهج البلاغه

صبر یکی از آموزه‌های مهم اسلامی است که بارها در قرآن کریم و نهج البلاغه مورد توجه ویژه قرار گرفته است. «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ: و از خدا به صبر و تحمل و نماز یاری جوید که نماز با (حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداپرستان» (بقره آیه ۴۵ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای) حتی مفسرین نیز به آن بسیار پرداخته‌اند «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ - فرمان آمد یا سیدی امت خویش را بگوی که در کارها صبر کنید تا به مراد رسید که «الصبر مفتاح الفرج» هر که صبر مردان ندارد تا گرد میدان مردان نگردد.» (کشف الاسرار، ص ۸۴)

صبر یکی از ابزارهای مهم رسیدن به جاده‌ی موفقیت است. صبر می‌تواند مفاهیمی از قبیل شکیبایی هنگام کار و کوشش، یا مقاومت و نهراسیدن از ناکامی‌ها و شکست‌ها و صبر در برابر نامالایمات زندگی و بلایای طبیعی و غیر طبیعی باشد. «مراحل گذر از شرایط سخت زندگی عبارتند از: ۱- پذیرفتن شرایط جدید. ۲- تحمل شرایط جدید» (علی علی‌کریمی، ۱۳۸۷، ۷۷)

با صبر و حوصله می‌توان چاره‌اندیشی کرد و راه برون رفت از معرکه را پیدا کرد. «گرفتاری‌ها عوامل اجباری شتاب دهنده‌ی رشد و توسعه هستند. از آن‌ها واهمه‌ای به دل راه ندهید.» (همان، ۷۷)

«سعی کنید آن چه را که علاجه‌ی برایش نیست. با مدارا تحمل کنید و با وقایع و

حوادث چاره ناپذیر سازش و همکاری و مدارا کنید.» (دیل کارنگی، ۱۳۸۷، ۱۰۰ و ۱۰۱) پس باید صبرداشته باشید و نگذارید مشکلات و موانع، شما را نا امید کنند. از مشکلات درس عبرت بگیرید. و از هر خطایی تجربه‌ای کسب کنید. «صبر، شکیبایی استقامت و بردباری از شیوه‌ی مردان بزرگ و کامیاب جهان است. صبر و شکیبایی که یک فضیلت عالی انسانی است. گاهی با یک رذیله‌ی اخلاقی به نام سستی و تنبلی و دست روی دست گذاردن و تن به تقدیر و قضا دادن و زیر هر گونه تعدی و ستم رفتن اشتباه می‌شود.

پافشاری و استقامت میخ سزد ار عبرت بشر گردد»  
(آیت الله جعفر سبحانی، ۱۳۸۸، ۳۶ و ۳۷)

در رساله‌ی قشیریه درباره‌ی صبر چنین آمده است «قال الله تعالی، وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ (نحل ۱۲۷) صبر اندر اوّل کار باید چون خشم گیرد یا مصیبتی رسد یا مکروهی، به صبر استقبال آن باز شود. استاد امام گوید (رَحِمَهُ اللهُ): صبر را اقسام است، صبری بود به کسب بنده و صبری بود نه به کسب بنده، صبر کسبی بر دو قسم است، صبری بود بدان چه خدای، عَزَّ وَجَلَّ فرموده است و صبری بود بدان چه نهی کرده است اما آن صبر که کسبی نیست بنده را صبر او بود بر مقاسات آن چه بدو رسد از حکم حق، سبحانه و تعالی، که در آن رنجی رسد و غیظی نبود.

جنید گوید: از دنیا به آخرت راهی است آسان بر مؤمن و هجران خلق در جنب یافتن حق دشوار است و از نفس به خدای شدن صعب است و صبر کردن با خدای تعالی، صعب‌تر. و پرسیدند از وی از صبر گفت: فرو خوردن تلخی‌ها و روی ترش ناکردن.» (رساله‌ی قشیریه ص ۳۳۷ و ۳۳۸)

اگر چه صبر هم در واژه و هم در عمل تلخ است. اما مثل معروف گر صبر کنی زغوره حلوا سازی، انسان را بر آن می‌دارد. که در کارها صبورتر باشد.

منشین ترش از گردش ایام که صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد  
(کلیات، گلستان، ۵۳)

اولین میوه‌ی شیرین صبر به عقیده‌ی امام علی (علیه السلام) پشتیبانی مردم از انسان  
صبور است .

«أَوَّلُ عَوْضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنَّ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ : نخستین پاداش  
بردباراز بردباریش آن که مردم در برابر نادان، پشتیبان او خواهند بود. »

(نهج البلاغه، حکمت ۲۰۶)

صبر نشانه‌ای از داشتن حکمت و دانایی، و نداشتن آن دلیل نادانی و بی حکمتی است.  
گرگزندت رسد تحمل کن که به عفو از گناه پاک شوی  
ای برادر چو خاک خواهی شد خاک شو پیش از آنکه خاک شوی  
(کلیات، گلستان، ۹۴)

کنج صبر اختیار لقمان است هرکه راصبر نیست، حکمت نیست  
(کلیات، گلستان، ۹۹)

امام در حکمتی این دانایی را بودن در گروه مردان بزرگ و نادانی را ورود به  
دسته‌ی چهار پایان ذکر کرده است. «إِنْ صَبَرْتَ صَبَرَ الْكَارِمِ، وَالْإِسْلَامُ سَلَوْتُ سَلَوْتُ الْبَهَائِمِ:  
یا چون مردان بزرگوار، شکیب باش و یا چون چهار پایان بی تفاوت باش.»

(نهج البلاغه، حکمت، ۴۱۳)

«وَإِنْ تَصَبَّرْ وَأَخِيرًا لَكُم: اگر صبر کنید و به رخصت فرو نیایید و مردانه در راه  
احتیاط روید شما را جای نواخت هست و اگر صبر نکنید و رخصت جوید و آسانی  
طلب کنید، عذر هست، از آن که شما ضعیفانید! و با خود بر نتوان! باری لاف مردان  
چه زیند؟ و جای مردان چه گیرید؟» (کشف الاسرار و عده الإبرار، ص ۵۶)

گاهی صبر در برابر آزار و اذیت و پرخاش دیگران است که مانند همان صبوری



گرسبَرکنی زغوره حلواسازی « است.

تحمل چوزهرت نماید نخست      ولی شهد گردد چودرطبع رُست  
(بوستان ۲۵۶)

وبه مرور زمان به یک عادت رفتاری تبدیل می‌شود

چوزو کرده باشم تحمل بسی      توانم جفا بردن از هر کسی  
(بوستان ۲۵۶)

به ویژه گاهی این سختی‌ها و ناراحتی از جانب کسانی برای تو پیش می‌آید که  
بارها به تو نیکی کرده‌اند پس شکیبایی در برابر اعمال آنها یک ضرورت است.

به سختی بنه گفتش ای خواجه دل      کس از صبر کردن نگردد خجل  
درختی که پیوسته بارش خوری      تحمل کن آن گه که خارش خوری  
(بوستان ۳۲۸)

زبون باش چون پوستینت درند      که صاحب دلان بارشوخان برند  
(بوستان ۲۶۱)

هم چنین باید گفت که این نوع خویشتن‌داری می‌تواند مانع جنگ و درگیری‌ها و  
یا ناراحتی‌های بزرگتر گردد. « اغْضِ عَلَی الْقَدَیِّ وَالْأَلَمِ تَرْضَ أَبْداً: چشم از سختی  
خار و خاشاک فروبند تا همواره خشنود باشی. » (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۳)

صبر زمانی به معنی خودداری از بیان غم و اندوه دل به دیگران است. آن چه مسلم  
است این که گفتن غم و غصه به دیگران گرهی از مشکلات شخص باز نمی‌کند.  
بلکه گله و شکایت از زندگی و وضع موجود، از عزت نفس انسان می‌کاهد. به  
خصوص اگر این شکایت‌ها به دشمن گفته شود، در آن صورت حتی دشمن از این  
کار خوشحال خواهد شد.



مگسوی اندوه خویش با دشمنان که لاجول گویند شادی کنان  
(کلیات، ص، ۱۲۲)

امام می فرماید: « مَنْ شَكَا الْحَاجَّةَ إِلَى الْمُؤْمِنِ، فَكَأَنَّهُ شَكَاهَا إِلَى اللَّهِ، وَمَنْ شَكَاهَا إِلَى كَافِرٍ فَكَأَنَّمَا شَكَاهَا لِلَّهِ: کسی که از نیاز خود نزد مؤمنی شکایت کند گویی به خدا شکایت برده است و کسی که از نیازمندی خود نزد کافری شکایت کند گویی از خدا شکایت کرده است. » (نهج البلاغه، حکمت، ۴۲۷)

پس بهتر است آدمی هیچ گاه، از وضع موجود شکایت نکند. چرا که گله مندی هم آسیب روحی و هم لطمه‌ی جسمی به شخص وارد می کند. به ویژه اگر این اندوه به دشمن گفته شود.

گر گزندت رسد زخلق مرنج که نه راحت رسد زخلق نه رنج  
(کلیات، ص، ۶۰)

یعنی رنج و سختی‌های وارده بر مردم از دیگران نیست. بلکه از جای دیگری نشئت می گیرند.

همین موضوع را امام چنین بیان کرده است. که صبر یار و پشتیبان انسان است. مانند قوم و قبیله و فامیلی که در مواقع لزوم می توانند از انسان حمایت کنند. اما اگر انسان صبور نباشد. قوم و قبیله‌ای از او حمایت نخواهد کرد. از سوی مردم نه راحتی رسانند و نه آزار دهند بلکه بی تاثیرند. یعنی از نظر روان شناسی هر چه هست سرچشمه‌ی آن جای دیگر و عامل دیگری است که خود شخص می باشد.

« الْحِلْمُ عَشِيرَةٌ: حلم و بردباری خویشاوندی است. » (نهج البلاغه، حکمت، ۴۱۸)  
انسان دانا و خداشناس همیشه حد و اندازه را رعایت می کند. افراط و تفریط در کارش نیست. شکیبایی و ناشکیبایی او نیز چنین است. هر چند تحمل خویش را از دست بدهد اما نمی گذارد که ارتباطش با دیگران به کلی قطع گردد. در حالیکه نادان

خلاف این عمل می‌کند.

انسان خردمند در برابر نادان همانند خودش پاسخ نمی‌دهد چون اگر در عمل مانند او شد در اخلاق نیز شبیه وی خواهد شد.

اگر نادان به وحشت سخت گوید خردمندش به نرمی دل بجوید  
(کلیات، ۱۲۳)

امام علی در پاسخ شخصی فرمودند: رویداً اَنَّمَا هُوَ بِسَبِّ، أَوْ عَفْوٍ مِنْ ذَنْبٍ: آرام باشید دشنام را باید با دشنام پاسخ داد یا بخشیدن گناه؟» (نهج البلاغه، حکمت، ۴۲۰) پس می‌بینیم بخشیدن گناه نشان دانایی و بلند همتی است. در حکمتی دیگر می‌فرمایند: «الْحِلْمُ وَالْإِنْسَاءُ تَوَامَانِ يُتَجَهَّمَا عُلُوَّ الْهَمَّةِ: بردباری و درنگ هم آهنگند و نتیجه‌ی آن‌ها بلند همتی است.» (همان، حکمت، ۴۶۰) پس انسان بلند همت گناه دیگران را می‌بخشد و مقابله به مثل نمی‌کند. البته تلافی کردن و قصاص دشمن به خصوص با عجله و شتاب ممکن است پشیمانی به بار آورد.

به تنیدی سبک دست بردن به تیغ به دندان برد پشت دست دریغ  
(کلیات، ۱۴۴)

« الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُثُونِ، لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ، فَإِنَّ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكِمٌ: تندخویی بی مورد نوعی دیوانگی است زیرا که تندخو پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است.» (نهج البلاغه، حکمت، ۲۵۵)

بنابراین عجله به این دلیل کار شیطان است که یا انسان از کارش پشیمان می‌شود، که آن هنگام پشیمانی سودی ندارد و یا نمیشود که نوعی دیوانگی است و سوق دادن انسان به سوی دیوانگی از خصایص شیطان می‌باشد. این وضع زمانی بدتر خواهد شد که در موضوعی دو نادان طرف مقابل هم قرار می‌گیرند. در آن صورت اگر زنجیری بین آن‌ها باشد پاره خواهد شد. اما بین دو فرد دانا و صبور اگر سرکشی و طغیان

صورت گیرد، در برابر آن شرم و آزرم جویی نیز برقرار است و اگر مویی میان آنها باشد نمی گذارند پاره گردد.

دو صاحب دل نگهدارند مویی همیدون سرکشی و آزرم جویی  
(کلیات، ۱۲۳)

و گر بر هر دو جانب جاهلانند اگر زنجیر باشد بگسلانند  
(کلیات، ۱۲۳)

در نهج البلاغه بردباری پرده‌ای پوشاننده تصویر شده که دیگر کمبودها و رذیله‌های اخلاقی انسان را می پوشاند. به ویژه هنگامی که اختلاف و درگیری بین دو نفر پیش آید که معمولاً همراه با آبروریزی خواهد بود. در این مورد خاص عقل می تواند. چون شمشیری بران عمل کند و هوای نفس و خودخواهی را از بین ببرد.

« الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ: بردباری پرده‌ای است پوشاننده و عقل شمشیری است بران، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش. »  
(نهج البلاغه، حکمت، ۴۲۴)

با وجود همه‌ی این مطالب گفته شده درباره‌ی صبر می توان اضافه کرد که اگر انسان صبر نکند یا به عبارتی ناشکیبا باشد، هیچ فایده‌ای به حال او ندارد همان طور که اگر پول و ثروت کسی ربوده شود هر چند گریه وزاری و بی صبری کند دزد پول‌های وی را پس نخواهد آورد و به حال او دل سوزی نخواهد کرد.

گَر تَصْرَعُ كُنْسِي وَ كَر فَرِيَادِ دزد زر باز پس نخواهد داد  
(کلیات، ص، ۱۴۰)

« أَمْشِي بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ: با درد خود بساز چندان که با تو سازگار است. »  
(نهج البلاغه، حکمت، ۲۷)

« مَنْ لَمْ يُنَجِّهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ : کسی را که شکیبایی نجات ندهد. بی تابی اورا هلاک گرداند. » (همان، حکمت، ۱۸۹)

پس عجله و شتاب نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه ممکن است نتیجه و عاقبت وخیمی در پی داشته باشد. آن هنگام افسوس خوردن بی فایده است.

زکار بسته میندیش و دل شکسته مدار که آب چشمه‌ی حیوان در درون تاریکی است (کلیات، ۵۳)

« عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَّةِ تُكُونُ الْفَرْجَةُ، وَعِنْدَ تَضَائِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الرَّخَاءُ » (نهج البلاغه، حکمت، ۳۵۱)

چون سختی‌ها به نهایت رسد گشایش پدید آید و آن هنگام که حلقه‌های بلا تنگ گردد آسایش فرارسد.

آیه‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: « اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا » (سوره شرح آیه‌ی ۶) در این جا کاملاً صدق می‌کند، که صبر کلید پیروزی است. اما گاهی صبر باید تا آخرین لحظه ادامه داشته باشد. انسان نباید از سختی‌ها و تاریکی‌ها بترسد، زیرا پایان شب سیه سپید است. بلاها و تنگی‌ها شخص را در کوره‌ی حوادث آب دیده می‌کند، چه بسا برای زندگی افراد ناپخته و بی تجربه لازم باشد. البته کوشش بی فایده فرد را به آرزوهایش نخواهد رساند.

کس نتواند گرفت دامن دولت به زور کوشش بی فایده است و سمه برابروی کور (کلیات، ۳۱۱)

« يَابْنَ آدَمَ لِاتْحَمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَيْهِمْكَ الَّذِي قَدَّاتَاكَ فَأَنْتَ اِنْ يَكُ مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ » (نهج البلاغه، حکمت، ۲۶۷) ای فرزند آدم اندوه روز نیامده را بر امروزت می‌فزا، زیرا اگر روز نرسیده از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند.

یکی دیگر از موارد صبر تسلیم امر خدا بودن و صبر در برابر اختیار باری تعالی است. ناسازی را که بی‌نی بخت یار عاقلان تسلیم کردند اختیار (کلیات، ۵۷)

« يَغْلِبُ الْمِقْدَارُ عَلَى التَّقْدِيرِ، حَتَّى تَكُونَ الْأَفْهَى فِي التَّدْبِيرِ » (نهج البلاغه، حکمت، ۴۵۹).  
تقدیر الهی چنان بر محاسبات ما چیره شود، که تدبیر سبب آفت زدگی است.  
چون ما از تقدیر الهی آگاه نیستیم بهتر است به جای تدبیر برای دفع تقدیر الهی صبر پیشه کنیم، زیرا ممکن است، چاره اندیشی ما آفت بزرگی را بر ما جاری سازد. پس در چنین شرایطی خویشتن داری پسندیده‌ترین شیوه است.

هرچه رود بر سرم چون تو پسندی رواست بنده چه دعوی کند؟ حکم، خداوند راست (کلیات، ص، ۵۸)

صبر در میان مردم می‌تواند به صبر فقیر و غنی تقسیم شود، صبر مستمند و نادار در برابر توانگری و وسوسه نشدن در مقابل مال دنیا است که بسیار نیک و پسندیده است و بر صبر غنی برتری دارد. دیگر صبر غنی است در برابر فقیر تا بتواند پاداش الهی را به دست بیاورد. و از مال و ثروت خود دل بکند و از آن انفاق نماید. که البته آن نیز کار سختی است.

کمز بزرگان شنیده‌ام بسیار صبر درویش به که بذل غنی (کلیات، ص، ۸۶)

« مَا أَحْسَنَ تَوَاضَعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلِبًا لِمَاعِنَدَ اللَّهِ، وَأَحْسَنُ مِنْهُ تِيَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ إِتْكَالًا عَلَى اللَّهِ. » (همان، حکمت، ۴۰۶). چه نیکوست فروتنی توانگران در برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی و نیکوتر از آن، خویشتن داری مستمندان در برابر توانگران، برای توکل به خداوند است.

« قَوْلَهُ تَعَالَى: وَكَلْبُونَكُمْ بَشِيٍّ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْإِنْفُسِ »

والثمرات وَبَشَّرَ الصَّابِرِينَ (بقره ۱۵۵) بدان که گرسنگی را شرفی بزرگ است و به نزدیک امم و ملل ستوده است و از آن چه از روی ظاهر گرسنه را خاطر تیزتر بود و قریحه مهذب‌تر و تندرست‌تر آن را که شرهی بیشتر نباشد که خود را بر ریاضت مهیا گردانیده. « (کشف المحجوب، ص ۴۱۹)

گاهی صبر در برابر فقر است. انسان دانا می‌داند که گذر از مراحل سخت زندگی نیازمند زمان است و باید با کار و کوشش زیاد و صبر و تحمل فراوان از راه پریچ و خم تنگ دستی عبور کند و حتماً پس از آن به موفقیت و کامیابی خواهد رسید.  
اگر تشنه‌مانی زسختی مجوش      که سقای ابر آبت آرد به دوش  
(بوستان ۳۴۴)

گاهی آدمی از کار آشفته‌ی خود گریان است و فکر می‌کند که زندگی هیچ کس تلخ‌تر از او نیست زیرا دیگران سفره‌های رنگین دارند اما او نان خالی می‌خورد.  
گه از کار آشفته بگریستی      که کس دید از این تلختر، زیستی  
کسان شهد نوشند و مرغ و بره      مرا روی نان می‌نیند تره  
که ای نفس بی تدبیر و رای وهش      بگش بار تیمار و خود را مگش  
(بوستان ۱۴۳)

انسان تهی دست پر حوصله می‌تواند از بیابان‌های سخت و خشک حتی بدون راهنما و کمک کاروانی بگذرد. « و گفته‌اند صبر بر طلب، عنوان ظفر باشد و صبر اندر محنت، عنوان فرج باشد. » (رساله‌ی قشیریه، ص ۳۴۱)

تهی دست مردان پر حوصله      بیابان نوردان بی قافله  
(بوستان ۲۱۲)

اگر شخصی می‌خواهد کاری انجام دهد بهتر است درنگ پیشه کند به ویژه در پاسخ دادن هر کس شتاب کند و اگر تفکر نماید سخنش نادرست از کار در خواهد آمد.

هر که تأمل نکند در جواب بیشتر آید سخنش نا صواب  
(گلستان ۷۰۰)

بهترین راه چاره برای رهایی از دست گرفتاری‌ها صبر و شکیبایی است و گاهی  
کمک و دعای خیر دیگران هم نمی‌تواند به اندازه‌ی صبر گره گشا باشد.

دعایی نیابد از دست کس گرفتار را چاره صبر است و بس  
(بوستان ۳۳۶)

اگر فردی طلبی از کسی دارد و نمی‌تواند آن را دریافت نماید؛ باید تحمل پیشه کند  
چون گرفتن طلب خود از دیگران مانند کیمیاگری کار سخت و پرحوصله‌ای است.

طلب کار باید صبور و حمول که نشنیده ام کیمیا گر ملول  
(بوستان ۲۱۶)

هرکس که دیگران را در بند و گرفتار مشکلات می‌بیند اگر می‌تواند باید آنها را  
یاری رساند نه این که خود نیز بی‌صبری نماید و خشمگین شود.

میر تلخی عیش زروی ترش به آب دگر آتشش باز کش  
(بوستان ۲۱۷)

کسی که هنگام جوانی خویشتن داراست و می‌تواند در برابر هوا و هوس خودداری  
کند و شکیبایی نماید یک خداشناس واقعی است، نه کسی که پیر شده است و دیگر  
توانی ندارد که از گوشه‌ای بر خیزد تا چه رسد به این که در پی شهوات خود باشد.

جوان گوشه نشین شیرمرد راه خداست که پیر خود نتواند ز گوشه‌ای برخاست  
(گلستان ۷۴۹)

اگر هنرمند از بی هنران ستم بیند نباید آزرده گردد زیرا اگر کاسه طلا با سنگ بی  
قیمت شکسته شود نه قیمت زر کاسته می‌شود و نه قیمت سنگ افزایش می‌یابد.

گر هنرمند از اوباش جفا بیند تادل خویش نیازارد و درهم نشود

سنگ بد گوهر اگر کاسه‌ی زرین شکند      قیمت سنگ نیفزاید وزرکم نشود  
(گلستان ۷۱۱)

صبر چنان آموزنده و مورد نیاز همه‌ی مردم است؛ که شایسته است حتی از حیوانات آموخته شود که به عنوان مثال تحمّل شتر زبان زد است که گویند: «حلم شتر چنان که معلوم است اگر طفلی مهارش گیرد و صد فرسنگ برد گردن از متابعتش نیچد.» (گلستان ۶۶۲)

گاهی مردم در دانستن موضوعی چنان شتاب می‌کنند که ناچارند پرسش و یا کاری انجام دهند تا آن موضوع بر آنان مکشوف گردد اما در پایان متوجه می‌شوند که اگر کمی درنگ می‌کردند بدون هیچ سؤالی، پاسخ همه‌ی پرسش‌های خود را در می‌یافتند. «هر آنچه دانی که هر آینه معلوم تو خواهد شد به پرسیدن آن تعجیل مکن که هیبت سلطنت را زیان دارد.» (گلستان ۷۳۳)

لقمان وقتی می‌داند که اگر تحمّل کند در پایان خواهد دید که حضرت داوود پیامبر چه ساخته است بنابراین از او نمی‌پرسد و به انتظار می‌نشیند.

چو لقمان دید کاند در دست داوود      همی آهن به معجز موم گردد  
نرسیدش چه می‌سازی که دانست      که بی پرسیدنش معلوم گردد «  
(گلستان ۷۳۳)

### نتیجه

از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که صبر در ادبیات اسلامی، ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. صبر گر چه کلید پیروزی‌ها و خوش بختی‌هاست، اما باید انواع و شرایط آن را شناخت و به کار بست. تا به موفقیت‌های دل خواه رسید. صبر گر چه تلخ است چون کامروایی را در پی دارد، پس ثمری شیرین خواهد داشت.

صبر ممکن است در برابر ستم‌گری و آزاردیگران، خویشستن داری در مقابل نکردن



شکوه و شکایت به دشمنان، صبر در رویارویی با انسان نادان، و فرو بردن خشم "والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحبُّ المحسنین" (آل عمران آیه ۱۳۴) باشد.

با صبر انسان می‌تواند رابطه‌های دوستی و صله‌ی ارحام را حفظ و یا تقویت نماید.

و موانع از قطع ارتباط‌های اجتماعی و خانوادگی شود.

بی‌تابی در برخی از امور هیچ فایده‌ای ندارد بنابراین تحمل در کارهای بی‌نتیجه، به جا و مناسب است. صبر انسان‌های غنی در بخشندگی و دل‌کندن از مال دنیا و صبر آدم‌های فقیر در بی‌پولی و فقر و امید به نزدیک بودن کامروایی حتی در سخت‌ترین شرایط و خویشتن داری در برابر ناکامی‌ها و شکست‌هاست و در نهایت شکیبایی در برابر امر خداوند متعال و تسلیم اختیار او بودن و دل به قضا و قدر الهی سپردن که خود نیز باعث دوری از ترس و اضطراب خواهد بود.

### نکاتی درباره‌ی صبر :

- ۱ - منشأ و سرچشمه‌ی صبر را از خداوند بدانیم (وما صبرک الا بالله - نحل ۱۲۷)
- ۲ - مقصد و هدف از صبر را نیز الهی قرار دهیم، نه خوش نامی و نه هیچ چیز دیگر (ولربک فاصبر - مدثر ۷)
- ۳ - صبر از صفات انبیاست (وکل من الصابرين - انبیا ۸۵)
- ۴ - صبر کلید بهشت است (ام حسبت ان تدخلوا الجنة ولما یاتکم - بقره ۲۱۴)
- ۵ - صبر در بلاها و آزمایش‌های الهی، محک و ملاک شناخت و روشن شدن چهره‌ی مجاهدان و صابران است (ولنبونکم حتی نعلم المجاهدين منکم والصابرين محمد ۳۱)
- ۶ - صبر سبب دریافت صلوات خداوند است (اولئک علیهم صلوات من ربهم - بقره ۱۵۷)
- ۷ - صبر نسبت به ایمان به منزله‌ی سر برای بدن است. پیامبر (ص) فرمودند :  
(والصبر من الایمان کالرأس من البدن)

۸ - صبر میزان درجات بهشتیان است (وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا - انسان ۱۲)  
(محسن قرائتی ۱۳۹۱ ص ۱۰۸)

و در پایان این که انسان از خاک آفریده شده است پس باید پیش از این که به خاک تبدیل شود، چون خاک صبور باشد.

ای برادر چو خاک خواهی شد      خاک شو پیش از آن که خاک شود  
(کلیات، ص، ۹۴)

بنی آدم سرشت از خاک دارد      اگر خاکی نباشد آدمی نیست  
(کلیات، ص، ۹۵)



### فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام علی (ع) (۱۳۸۴) نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت،
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۰
۴. رازی، ابولفتح (۱۳۷۰) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۱
۵. سبحانی، آیت الله جعفر (۱۳۸۸) رمز پیروزی مردان بزرگ، قم: نسل جوان
۶. سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۶۹) کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: امیر کبیر
۷. سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۶۸) گلستان، شرح محمد خزائلی، تهران: علمی
۸. سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۷۲) بوستان، شرح محمد خزائلی، تهران: علمی
۹. علیکریمی، دکتر علی (۱۳۸۷) در شاه راه موفقیت لاک پشت نباشید، قم: ملینا
۱۰. قرائتی، محسن (۱۳۹۱) دقایقی با قرآن، تهران: ستاد اقامه‌ی نماز
۱۱. قشیری ابوالقاسم (۱۳۸۷) رساله‌ی قشیری، تصحیح بدیع الزمان فروزان فر، تهران: زوار
۱۲. کارنگی، دیل (۱۳۸۷) آیین زندگی، ترجمه‌ی سوزان خدیو، تهران: سپهر ادب
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۴) فرهنگ معین، تهران: نامن، ج ۲
۱۴. میبدی، رشید الدین ابوالفضل (۱۳۸۴) کشف الاسرار و عدّه‌الابرار، گزینش و گزارش رضانزایی نژاد، تهران: جامی
۱۵. هجویری غزنوی، علی بن عثمان (۱۳۷۶) کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی، تهران: طهوری
۱۶. هجویری غزنوی، علی بن عثمان (۱۳۹۰) کشف المحجوب، گزینش و توضیح محمود عابدی، تهران: سخن



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی